

تبیین مفهوم و قلمرو حریم خصوصی افراد در دانشگاه

حجت الاسلام مسعود راعی¹

(1) چکیده

حریم خصوصی از جمله اساسی ترین مصادیق و محورهای بحث حقوق عمومی را در عصر ما شکل می دهد. از طرفی تلاش برای تعیین قلمرو و دامنه آن و از طرف دیگر ضرورت بازشناسی مرز آن از حیطة حقوق و تکالیف اجتماعی موضوع حریم خصوصی را از کانونی ترین مباحث در جامعه اطلاعاتی و مهمترین مسائل حقوق بشر در آورده است. حریم خصوصی از نوع نگاه به انسان و منزلت او و ارزش های تولید انواع آزادی برخوردار شده است. اهمیت این موضوع آنگاه خود را نمایان تر می کند که نسبت آن با یکی از مهمترین و اصلی ترین آموزه های اجتماعی دینی - اسلامی مقایسه شود. از رهگذر چنین نگاهی سؤالات جدیدی مطرح می شود که از بین همه آنها نوشتار فعلی در رویکردی مفهوم شناختی قصد پرداخت به یکی از آنها را دارد این سؤال در خصوص تعیین نسبت دو واژه بسیار بحث برانگیز و مهم در حوزه حقوق عمومی است. یعنی امر به معروف و نهی از منکر و حریم خصوصی است. تعیین این نسبت در گرو شناخت مفهوم و دایره حریم خصوصی است.

نگاه جدید در این بحث را می توان در بازخوانی دو مکتب اصالة الفردیه و اصالة الاجتماعیه ملاحظه کرد. ادعا آن است که حقوق عمومی در حوزه اهداف خود که یا با تکیه بر آزادی افراد و یا تکیه بر حفظ منفعت جامعه به ترسیم جایگاه خود می پردازد. باید به ترسیم هدف جدیدی پردازد. از جمله نوآوری و تغییرات لازم که در این حوزه باید رخ دهد آن است که هدف حقوق عمومی را باید در تحقق سعادت دنیا و آخرت ترسیم کرد و حقوق را زیر مجموعه اخلاق و نه در کنار آن دانست. در خصوص تحقق چنین نگاهی ضمن آن که تعریف دقیق و جامعی از حریم خصوصی می توان ارائه کرد. تعیین نسبت حریم خصوصی با دو فریضه ی بزرگ اجتماعی یعنی امر به معروف و نهی از منکر به خوبی نمایان می شود.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی، حقوق عمومی، امر به معروف و نهی از منکر، حقوق بشر، اصالة الفردیه، اصالة الاجتماعیه.

مقدمه:

مفهوم حریم خصوصی به مفهوم خاص آن برای اولین بار در دهه 1890 توسط یکی از قضات دادگاه های ایالات متحده به نام لوئیس براندیس (Louis Brandeis) در مقاله ای به نام «حق مصونیت حریم خصوصی» به کار رفت. او این واژه را به معنای حق تنها بودن برای افراد تعریف کرد، (Samuel, Warren, 1890). پذیرش حق حریم خصوص به عنوان یک حق انسانی کم کم جای خود را در قوانین و مقررات داخلی اسناد بین المللی باز کرد. موج جهانی شمولی و یا جهان سازی، مفهوم حریم خصوصی را به یکی از کانونی ترین مباحث در حوزه حقوق بشر و

¹ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

بویژه در جامعه اطلاعاتی و رسانه ای تبدیل کرد و پذیرش حق حریم خصوصی به عنوان یک حق انسانی به عنوان یک حق انسانی به عنوان یک اصل بنیادی و اخلاقی هم در جامعه داخلی و هم در اسناد حقوق بشری مطرح گردید. در این خصوص و به عنوان مثال می توان از ماده (21) اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده 9 و 17 میثاق حقوق مدنی - سیاسی در بعد بین المللی و اصول 12 و 22 و 23 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بعد داخلی نام برد.

از آنجا که برخی از مفاهیم حقوق بشری با گزاره های دینی اسلامی حالت تعارض کلی و یا جزئی دارند، و با لحاظ آنکه چنین مفاهیمی با مبانی نظری خاص خود امروزه وارد اسناد بین المللی شده اند و توجه به پروژه بودن یا پروسه بودن جهانشمولی این اسناد، ضرورت پرداختن به چنین مفاهیمی دو چندان ضروری می نماید. دفاع از حریم دین اسلام با تبیین دقیق و جامع از آورده های این دین و تعیین مبانی نظری آن و مقایسه منطقی این دو مبنا با یکدیگر اساسی ترین راه دفاع را به خود اختصاص می دهد.

با توجه به آنچه گذشت باید گفت مسئله اصلی این تحقیق تبیین مفهومی حریم خصوصی از دو نظر اسلامی و حقوق بشری و مقایسه آن با هر فریضه بزرگ الهی یعنی امر به معروف و نهی از منکر است. تعیین نسبت این دو به تعیین حوزه و قلمرو آن دو کمک می کند و کار ویژه ای هر کدام را نمایان خواهد کرد. از آنجا که این مفاهیم با رویکرد اجرائی و عملیاتی در جامعه انسانی به نگارش در آمده اند و هدف از آنها تعیین روابط اجتماعی انسانها با یکدیگر و همینطور تعیین جایگاه فرد در عرصه بین الملل و تعیین وظایف دولت با مردم و در نهایت مشخص کردن رابطه دولت با مردم است، رسیدن به چنین نقطه مطلوبی است تا از طرفی این مفاهیم فرصت اجرائی شدن پیدا کرده و از طرف دیگر، از تداخل در حوزه های یکدیگر بپرهیزند و افراد و یا دولت ها به بهانه احقاق و به دست آوردن یکی از آن دو دیگری را کنار نگذارند.

فرضیه تحقق فعلی آن است که علی رغم مهم بودن و بین المللی بودن حمایت از حریم خصوصی و با توجه به ابهامات چندی که در تعریف و در نتیجه قلمرو آن وجود دارد و علی رغم اهمیت خاص و ویژه ای که اسلام برای آن قائل است، حریم خصوصی مربوط به حیطه شخصی افراد است که تعیین این حیطه به مفاهیمی همچون ایده، اعتقادات، زبان، مکان و اطلاعات مربوطه دارد هر چند در دوره جدید تحولات فن آوری نقش خاص و ویژه ای در تعیین این قلمرو به خود اختصاص داده است. رویکرد منصفانه آن است که در تعیین مرز حریم خصوصی آنگاه که از جنبه شخصی بودن گذشت دیگری نمی توان از آن به عنوان یک حق سخن گفت اعم از آنکه چنین حقی را اخلاقی بدانیم و یا حقوقی. این رویکرد را می توان در مفهومی به نام حقوق شهروندی به مثابه شهری شدن نه شهری کردن ملاحظه کرد. بدان معنا که حقوق شهروندی در یک پروژه و نه پروسه و با توجه به همه ارزشها و باورهای اعتقادی سالم و صحیح بر جامعه باید شکل گیرد، نه به عنوان یک پروسه جهانی.

با نیم نگاهی به تحقیقات انجام گرفته در این زمینه می توان گفت که در خصوص موضوع فوق مطلب با نوشته چندانی یافت نمی شود هر چند دانشمندان چندی هم در خارج از مرزها و هم داخل مقالات محدودی در خصوص تعریف حریم خصوصی و تعیین جایگاه و قلمرو آن به عنوان کانونی ترین ارزش از ارزش های حقوق بشری در اسناد حقوق بشری به نگارش در آورده اند. از جمله این محققان، سامارا جیوا، روهان با مقاله ای به نام «تفاوت طبقاتی در حریم شخصی»، ولیو فراندا (Volio Feranda) در مقاله ای به نام «شخصیت حقوقی، حریم

خصوص و حقوق خانواده»، عباس کدخدائی در مقاله ای به «نام شبکه های اطلاعاتی نقض حقوق بشر»، سید یونس ادیانی در مقاله ای به نام «مفهوم حریم خصوصی» و مهین دخت بروجردی در مقاله ای با همین مضمون می باشند.

تعریف حریم خصوصی:

به منظور دست یابی به یک نتیجه روشن ضروری است ابتدا مفهوم شناسی لازم در خصوص این مفهوم صورت گیرد. همانطور که در سطور قبل اشاره شد وجود ابهامات زیاد در این تعریف به ابهامات زیادی در تعیین دامنه و قلمرو منجر می شود و از دست یافتن به نتیجه معلوم فاصله گرفته خواهد شد.

از آنجا که این واژه برای اولین بار در دهه 1890 در غرب مطرح شد ضروری است در بدو امر به تعریف ارائه شده از این واژه توجه شود. این واژه اصولاً به معنای «حق خلوت» یا «حق مصونیت» و یا «حق تنها بودن برای افراد» تعریف کرده اند (Louis Brandeis, 1890). قدر مشترک همه تعبیر پذیرش حق بودن چنین امری است که هم در برگیرنده حریم مکانی، حریم روحی - روانی، حریم ارتباطی، حریم آبرویی و حریم روابط حاکمینی است. این سخن بدان معنا است که هر فردی از جامعه دارای یک قلمرو خاص و غیر قابل نفوذ است که هیچ کسی حتی دولت حق ورود به آن را ندارد. برای ارائه و تبیین بهتر تعریف ضروری است حوزه های مختلف حریم خصوصی شناسائی شده تا تعریف مذکور در هر کدام به شکل دقیق تری نمایان شود.

1 حریم اطلاعاتی: این حوزه از حریم خصوصی ناظر به مراقبت از اطلاعات شخصی افراد است. ورود عصر رسانه و

امکان دستیابی به اطلاعات افراد و اعلان عمومی، بیانگر ضرورت وجود چنین حوزه ای است. در این حوزه سخن بر سر تصویب قوانینی است که به حفاظت اطلاعات منجر شود (Data Protection). در این راستا ادعا آن است که اطلاعات شخصی افراد مانند اطلاعات پزشکی، فامیلی و آبرویی تحت کنترل حمایت و حفاظت قرار گیرد.

2 حریم جسمانی: این بعد از حریم خصوصی ناظر به حفاظت از جسم و فیزیک افراد است تا مورد تجاوز، دزدی و آدم ربائی و اعمال همچون ژنتیکی، دارویی و یا عکس برداری قرار نگیرند.

3 حریم ارتباطات: این حوزه ناظر به کلیه اشکال ارتباط افراد در جامعه است. این حوزه مهم ترین حوزه ی چالشی در موضوع حریم خصوصی است چرا که دامنه چنین حریمی شامل امنیت پست های الکترونیک، پست، اینترنت و کلیه انواع ارتباطات می شود. دامنه ارتباطات اعم از مستقیم و غیر مستقیم است.

4 حریم مکانی: که همان حریم مسکونی است. و امروزه به دلیل ابهام در مفهوم حریم مسکونی به عنوان حریم خصوصی مکانی، حریم مکانی عمومی قرار می گیرد، که عملاً تعیین دامنه حریم عمومی به عرف جامعه واگذار شده که حالتی سیال و نسبی به خود می گیرد.

به منظور تحقق چهار الگوی موجود، چهار راهکار حمایتی نیز در جهان مطرح شده است:

الف: راهکار حقوق عمومی:

در این راهکار تلاش بر آن است که حریم خصوصی در قالب حقوق عمومی تعریف شود. ویژگی خاص حقوق عمومی آن است که سود و زیان ناشی از انجام یا ترک آن به کل جامعه انسانی تسری پیدا می کند وجود چنین خصلتی اقتضای اهتمام بخش فوق العاده به قوانین حقوق عمومی را نه تنها در بعد داخلی بلکه در بعد بین المللی

بوجود آورده است. این اهتمام هم در بعد کنترلی و هم بعد نظارتی تعریف شده است که اصطلاحاً به مدل قوانین جامع (Comprehensive Law) هم معروف است در این راهکار وظیفه خاص حمایتی بر دوش دولت گذاشته می شود. در نتیجه دولت نه تنها حق دخالت یا ورود به این حریم را ندارد بلکه در عوض باید هم اقدامات پیش گیرانه و هم اقدامات تنبیهی را اعمال کند. ک. تاهی دولت در این حوزه مسئولیت داخلی و بین المللی را برای دولت بوجود می آورد.

ب: مدل قوانین موردی:

همچنان که از نام آن بر میآید این مدل در برابر قوانین جامع قرار می گیرد و حالت موردی دارد. در این مدل قوانین بسته به نیاز و شرایط خاص تصویب می شوند. نبود یک سیستم نظارتی کارآمد و همینطور نبود تعریف روشن بین قوانین موردی و در نتیجه فقدان سیستم جامع که در بر گیرنده همه احتمالات باشد از عیوب این دل است.

ج: مدل خود تنظیمی (Self Regulation):

در این مدل خود فرد با توجه به مسئولیتی که بر دوش دارند به تنظیم روابط خود در خصوص حفاظت از اطلاعات و اموال شخصی خود می پردازد. این روش هر چند از ضمانت اجرای خوبی برخوردار است اما در عین حال ابهام در نوع حفاظت و ابهام در نوع احوال شخصی منجر به ناکارآمدی خواهد شد.

د: تکنولوژی حریم خصوصی (Technologies of Privacy):

در این مدل با استفاده از فن آوری در سطوح مختلف حفاظتی به حمایت از حریم خصوصی بویژه در بعد اطلاعات پرداخته خواهد شد. ورود تکنولوژی می تواند آستانه حمایت را افزایش دهد و حاشیه امن متجاوزان و متجاسران به حریم خصوصی را از بین برد و این افراد زودتر شناسائی شده و در برابر قانون قرار داده شوند. عیب این روش آن است که می تواند ابزاری برای ورود به حریم خصوصی باشد و اطلاعات افراد را سرقت کند. (Volio Fernanda, 1981)

با لحاظ آنچه گذشت باید گفت حریم خصوصی فاصله تعریف شده بین فرد و جامعه است. به عبارت دیگر مفهوم حریم خصوصی با این روش پیش فرض مواجه است که همیشه بین فرد و جامعه یک فاصله وجود دارد که مربوط به فرد است و در واقع حریم او محسوب می شود. این حریم در رویکرد دینی ماهیت تربیتی و اخلاقی دارد و همین ماهیت زمینه ضمانت اجرای خوبی را برای آن فراهم کرده است. در قرآن کریم آیات چندی این حقیقت را روشن کرده اند. آیات 27 و 28 سوره نور، آیه 11 سوره حجرات و کل سوره لمزه، نمونه هایی از این حقیقت می باشند که هر کدام بعد خاصی از حریم خصوصی را نشان می دهند. به عنوان مثال آیه 28 سوره نور در بیان پذیرش حریم مکانی از واژه «هو ازکی لکم» استفاده کرده است. کاربرد این واژه در آموزه های دینی حاکی از آن است که تزکیه اثر روحی و معنوی دارد و گناه تربیتی خاص را با خود به همراه دارد. وجود چنین نگاهی حاکی از جایگاه این موضوع، تعیین ضمانت اجرا و نوع حمایت های به عمل آمده از آن در آموزه های دینی اسلامی است، که در مقایسه با مدل های پیش گفته از کارآمدی بالایی برخوردار می باشند.

با رجوع به تعاریف ارائه شده در خصوص حریم خصوصی می توان به این تعاریف توجه کرد:

حق افراد برای حمایت شدن در مقابل وارد شدن بدون اجازه به امور و زندگی افراد و خانواده ایشان با ابزار مستقیم فیزیکی یا به وسیله نشر اطلاعات (Ibid)

این تعریف توسط کمیته کالکات (Calcutt Committee) تعریف شد. این تعریف پیش از آنکه به ماهیت حریم خصوصی توجه کند بهنوع حمایت لازم انجام شده می پردازد. به عبارت دیگر در این تعریف بین تعریف حریم خصوصی و ضرورت حمایت از آن خلط شده است. این سؤال مطرح است که اصولاً حریم خصوصی چیست که باید از آن حمایت به عمل آورد. اشکال دیگر تعریف مذکور آن است که مشخص نمی کند وظیفه حمایتی به عهده چه کسی است. آیا دولت باید عهده دار آن شود یا خود فرد.

تعریف دیگر آنکه، حریم خصوصی مربوط به حیطه شخصی افراد است (کد خدائی، سایت ایران و جامعه اطلاعاتی). بر اساس این تعریف حریم خصوصی یک حق است که مربوط به شخص است آنچه در این تعریف مبهم است آنکه حیطه شخصی افراد چیست و چگونه معین می شود. می توان گفت آنچه در حریم خصوصی به طور جدی محل گفتگو است مربوط به وجود این حق نیست بلکه مربوط به تعیین دامه و قلمرو آن است که بر اساس مبنای خاصی باید تعریف شود.

با رجوع به آیات مختلف قرآن و از جمله 58 سوره احزاب باید گفت، حریم خصوصی حوزه مکانی، آبرویی، مالی و جانی فرد است و کاملاً جنبه شخصی دارد. این حوزه نباید مورد دستبرد قرار گیرد. و از آنجا که این قلمرو به عنوان یک حق محسوب می شود دیگران در برابر آن تکلیف دارند و نمی توانند با دلایل احتمالی به آن وارد شوند و به افشاء آن پردازند قرآن کریم طی آیات 11 تا 17 سوره نور به چنین حقیقتی که مربوط به آبروی افراد است می پردازد. در این آیات خداوند ضمن توبیخ کسانی که با ظن و گمان شایعه پراکنی کرده و به اعتقادشان مورد شایعه امری معمولی و آسان است، با تأکید ابدی اعلام می کند که مجدداً کسی این روش را دنبال نکند. قرآن مجید در آیه 15 همین سوره به نکته مهمی اشاره می کند. در این آیات خطاب به مردان و زنان مؤمن اعلام می شود که شما مورد و مسئله ای را کوچک می پنداشتید در حالی که در نزد خداوند بزرگاست. و در ادامه آیه از مؤمنان این سؤال توبیخی را می پرسد که چرا هنگامی که آن تهمت را شنیدید، نگفتید ما حق نداریم که به این سخن تکلم کنیم؟ (16/ نور). می توان از سیاق این آیات وعده عذاب الهی را در صورت تعدی و تجاوز به حریم خصوصی را استنباط کرد.

جایگاه و اهمیت:

حریم خصوصی به عنوان یک حق انسانی و بشری از جایگاه مهمی بویژه در عصر ارتباطات برخوردار شده است. این معنا هم در اسناد حقوق بشری و هم در آموزه های مختلف ادیان آسمانی وجود دارد. در انجیل، در قوانین یهودیت و در اسلام نمونه های روشنی از این معنا وجود دارد. به عنوان مثال در سوره حجرات آیه یازدهم، قرآن کریم به حریم خصوصی در حوزه آبروی افراد اشاره می کند. این آیه هر چند افراد با ایمان را مورد خطاب خویش قرار می دهد ولی دایره ترسیم شده را فارغ از جنس و مذهب و ملیت می داند. لذا در این آیه از همه

مؤمنان می خواهد که هیچ گروه و قومی را مورد تمسخر خیش قرار ندهند و در تحلیل آن می فرمای شاید قوم مورد تمسخر بهتر از گروهی باشند که تمسخر می کنند. جالب تر از همه آنها همین خطاب و تحلیل را به منظور تأکید بیشتر و در خصوص زنان به طور جداگانه بیان می کند. اینکه چرا قرآن کریم می فرماید شاید گروه تمسخر کننده با کلمه شاید متوجه خطای فاحش خویش بشود و الا روشن است که مسخره کردن به دلیل آنکه با پی فرض تحقیر فرد مورد تمسخر همراه است قطعاً کار زشتی است بویژه اگر عامل تمسخر جنبه غیر عادی داشته باشد مثل آنکه گویش یا ویژگی جسمی خاصی داشته باشد. از نکات مهم دیگری که در این آیه در خصوص حریم خصوصی مطرح شده است مسئله طعن و عیب جوئی است که باز از مصادیق حریم آبروئی است. نام بد و القاب نکوهیده و زشت برای یکدیگر بکار بردن از منظرگاه قرآنی بسیار کار زشت تلقی شده است بگونه ای که خودش منکر و فسق است و نیازمند توبه کردن می باشد. این آیه شریفه بطور شفاف بیانگر حریم خصوصی از دیدگاه آیات الهی است. می توان اهمیت این موضوع را در اسناد حقوق بشری نیز یافت. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده 12 اعلام می دارد، «احدی در زندگی خصوصی امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخله های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد».

دایره وسیعی که از حریم خصوصی در این ماده ترسیم شده بیانگر اهمیت و جایگاه آن در بین سایر حقوق بشری است. این معنا در ماده 9 نیز بیان شده است. احدی نباید خود سرانه توقیف، حبس یا تبعید شود یعنی آنکه حریم مکانی افراد نباید به صورت خودسرانه مورد تعدی و تجاوز قرار گیرد. در ماده هشتم ضمانت اجرای چنین حق اساسی و انسانی را رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه دانسته است. میثاق حقوق مدنی سیاسی در ماده 9 و 17 خود همین حقیقت را متذکر شده است. ماده 14 کنواسیون مربوط به حقوق کارگران مهاجر و ماده 16 کنواسیون ملل متحد مربوط به حمایت از کودکان به این مهم اشاره کرده و آن را مد نظر قرار داده اند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر چند در هیچ اصلی این واژه را به کار نبرده است اما معنا و مفهوم آن را در چند اصل بیان کرده است. اصل دوازدهم حریم خصوصی در رابطه با مذهب را برای مسلمانان غیر شیعی پذیرفته و اعلام می دارد که آنها در انجام مراسم مذهبی، تعلیم و تربیت، احوال شخصیه و دعاوی مربوطه مطابق فقه خود آزاد هستند. این معنا به طور خیلی روشن تر در اصل بیست و دوم مطرح شده است. این اصل مقرر می دارد که حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کنند. در اصل بیست و سوم به ممنوعیت تفتیش عقاید می پردازد که از مصادیق بارز حریم خصوصی است. اصل چهاردهم به نکته مهمی اشاره می کند، این اصل مبنای تنظیم روابط جامعه اسلامی با غیر مسلمانان را اخلاق حسنه، قسط عدل اسلامی می داند و در نتیجه حقوق انسانی آنان باید رعایت شود. و روشن است که از مهمترین حقوق انسانی فرد، رعایت حریم اوست. اصول دیگری از قانون اساسی همچون اصل سی و دوم، اصل سی و سوم، اصل سی و نهم و اصل چهلم به این نکته توجه کرده اند که از مجموع آنها جایگاه مهم این حق در اصول قانون اساسی به دست می آید.

از دیگر اسنادی که به این موضوع پرداخته اند، اعلامه حقوق بشر اسلامی قاهره (1990) در بند الف از ماده 6 و بند الف ماده 8 و بیانیه تهران 1968، دستورالعمل اتحادیه اروپا در مورد حمایت از داده ها (1995) می باشد که همگی دلالت بر موقعیت ویژه این حق الهی و انسانی دارد.

اخیراً نمایندگان مجلس هشتم شورای اسلامی در طرحی یک فوریتی طرح تشدید مجازات است اخلاقی کردن امنیت روانی جامعه را به تصویب رساندند. در این طرح مرتکبان جرائمی از قبیل راه زنی، سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف، تأسیس و دایر کردن وبلاگ های مرجع فساد و فحشاء مفسد فی الارض شناخته شده اند. قانون مجازات اسلامی نیز برای کسانی که حریم حقوقی افراد را مرد هتک و تجاوز قرار می دهند با عناوین مختلفی به تعیین مجازات پرداخته است. مثلاً در فصل پانزدهم با عنوان هتک حرمت اشخاص دو نوع مجازات را مشخص کرده است. به طور مشخص در ماده 608 توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک را چنانچه مصداق قذف نباشد به مجازات شلاق تا 74 ضربه و یا پنجاه هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم کرده است. همین قانون در ماده 619 مزاحمت علیه زنان یا اطفال که در واقع ورود به حریم خصوصی آنها می باشد را مستحق حبس از دو تا شش ماه و تا 74 ضربه شلاق دانسته است. همینطور در فصل بیست و ششم با عنوان افترا و توهین و هتک حرمت از ماده 690 تا 700 به تعیین مجازات های خاصی پرداخته است.

تعیین قلمرو حریم خصوصی:

اکنون که جایگاه اهمیت و تعریف حریم حضور مشخص شد ضروری است به تعیین دامنه و قلمرو آن پرداخت بدین منظور دو راه مشخص می تواند مطرح باشد:

الف: از طریق افعال مجرمانه:

یکی از راه های تعیین حریم خصوصی آن است که معلوم شود قانون انجام کدام رفتار را در خصوص افراد جرم و برای آن مجازات تعیین کرده است. (کد خدائی، سایت ایران و جامعه اطلاعاتی). افعالی چون تجاوز به املاک (Trespass) مزاحمت و ایذا و اذیت (Nuisance)، هتک حرمت اشخاص، جرایم علیه اشخاص و اطفال، جرائم ضد عفت جرایم بر ضد حقوق خانوادگی، افشاء سر، ربودن مال غیر، سرقت، تهدید، اتلاف اموال غیر، هتک حرمت منازل، افترا، تهمت از این نوع هستند که در هر کدام نوع نقض خلوت و حریم خصوصی وجود دارد (Breach of confidence). می توان گفت دلیل مجازات برای چنین رفتارهایی آن است که مرتکب با انجام آن حقی از حقوق انسانی فرد که ناظر و مربوط به حریم خصوصی او می باشد را مورد تجاوز و تجاسر خود قرار داده است. قانون مجازات اسلامی طی کتاب پنجم و با عناوین متفاوتی به تعیین نوع مجازات های مربوطه که از زندان تا اعدام مرتکب می باشد، پرداخته است.

ب: استناد به مبانی نظری:

مبانی نظری در بنیادهای اسلامی با غربی متفاوت است. به عبارت دیگر آنچه در اسناد حقوق بشری به عنوان حقوق اولیه و ذاتی انسان مطرح شده با مبانی خاص خود تعریف و تبیین شده اند. این مبانی شامل عقل بسندگی، گرایش سکولاریستی، فرجام انکاری، پذیرش تفکرات اومانیستی و مسئولیت گریزی است (جمععی از نویسندگان، فلسفه حقوق 1388- صص 271-275) مطابق این مبانی، حریم خصوص دایره ای بزرگ پیدا می کند. به عبارت دیگر

اصل بر آزادی افراد است که در پرتو آن دخالت جامعه باید به حداقل برسد و تنها آنچه تعیین می کند که یک فرد تا کجا می تواند خود برای خود تصمیم بگیرد، قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه آن هم ویژه یک جامعه دموکراتیک است (ماده 29 اعلامیه جهانی حقوق بشر) در نتیجه نوع رفتار، پوشش، مذهب، و سایر مسائل فردی چنانچه به دیگران ضرر نرساند و مزاحم آزادی آنها نشود، ممنوعیتی ندارد. در مقابل، مبانی نظری پذیرفته شده در آموزه های اسلامی به گونه ای کاملاً متفاوت تعریف می شوند. بر اساس این مبانی دایره حریم خصوصی محدود خواهد شد به آن رفتاری که کاملاً جنبه شخصی داشته و آثار اجتماعی به دنبال خود نداشته باشد (جمعی از نویسندگان، پیشین ص 274). مهمترین مبانی نظری در اسلام، خدا محوری، مسئولیت محوری، پذیرش اصل حکمت الهی و کمال محوری می باشد.

متفکرین اجتماعی و فلاسفه حقوق در غرب فقط به دو حق یعنی حق فرد و حق جامعه قائل اند. علت این اعتقاد پذیرش مبانی نظری خاص می باشد که به آنها اشاره شد. از همین رو اهتمام شان همه مصروف آن شده است که تعارض حقوق فردی و اجتماعی را حل کرده و چاره ای برای بیندیشند. اما بر اساس مبانی نظری اسلامی حق سومی نیز متصور است که نقش مهمی در تعیین حریم خصوصی دارد با لحاظ حکمت الهی، حریم خصوصی تا آنجا جلو می رود که به استكمال فرد لطمه نزد. از آثار پذیرش حق خداوند در کنار حق فرد و جامعه و توجه به حکمت الهی است. باید گفت که حق خداوند بدان جهت که کاملاً در راستای تحقق استكمال فردی است بر هر حق دیگری تقدم دارد و در مقام تعارض آنچه می تواند معیار تعیین اولویت باشد تنها حق خداوند است. پذیرش تقدم حق خداوند بر همه حقوق، تقدم عبادت و اطاعت خداوند را به دنبال دارد. با لحاظ آنچه گذشت، باید گفت که حریم خصوصی فرد نباید به عبادت و اطاعت او از خداوند لطمه وارد کند هر چند این اجازه برای دولت وجود ندارد که حریم خصوصی را نقض کند. این سخن بدان معنا است که هر فردی وظیفه دارد که از حریم خصوصی خود استفاده مطلوب کرده و آن را سپری برای سوء استفاده قرار ندهد و دولت نیز وظیفه دارد از این حریم پاسداری داشته باشد و اجازه نقض آن را ندهد. وجود چنین نگاهی می تواند به بسیاری از سؤالات و شبهات که در خصوص حریم خصوصی و میدان آزادی عمل افراد مطرح است جواب بدهد. به عنوان مثال حضرت ابراهیم صرفاً به دلیل تقدم حق خداوند، حق حیات کودک را کنار می گذارد و هرگز هم این تصور را ندارد که اقدام به ذبح انسان بی گناه که به بدهت عقل ناپسند و قبیح است کرده است. او می داند این داستان وارد شدن به حریم خصوصی نیست بلکه مسیری است در راستای استكمال و اعلام بندگی و اطاعت از خداوند. البته تشخیص این موارد کار بسیار مشکل و سختی است و نمی توان از اقدام حضرت ابراهیم یک حکم کلی را استنباط کرد اما می تواند نمونه خوبی برای آنچه گذشت باشد. پس می توان گفت تعیین قلمرو باید با لحاظ مفاهیمی همچون ایده، مذهب، مکان، زمان و باورهای صحیح فرد و جامعه باید صورت گیرد. مسیر دوم در مقایسه با روش اول این نقطه مثبت را دارد که می تواند معیار روشن و قابل ارزیابی ارائه کند و ضمناً آن را در اختیار فرد خاص و یا مجموعه خاص به عنوان قانونگذار انسانی قرار ندهد. این رویکرد با خود اصل انصاف را نیز به دنبال دارد که مزیت دیگری محسوب می شود. اصل انصاف مکل عدالت فردی و اجتماعی است همچنان که زینت بخش عدالت نیز است و اجرای عدالت را هموارتر و آسان تر کرده و پذیرش آن را سهل تر می کند. تکیه بر عدالت، انصاف و سایر مفاهیم

دینی - اسلامی این مزیت را دارد که راهکار استکمال نفس را به صورت معین و شفاف در اختیار انسان قرار داده و او را از انجام هر گونه تجربه غیر ضروری بی نیاز می سازد.

ضرورت حریم خصوصی:

با رجوع به آموزه های وحیانی ضرورت تکریم و عدم مداخله و تجاوز به حریم خصوصی نمایان می شود. مبانی دینی بویژه اسلام مشحون از توجه به این نکته مهم است. به عنوان مثال دستورات مختلفی در قرآن وجود دارد که از آنها استفاده می شود در حد امکان آبروی اشخاص باید حفظ شود (دهقان، 1379 ص 365). نمونه هایی همانند قرض دادن (انفال/ 74) محروم نکردن مسائل (ضحی/ 10) اجازه گرفتن برای ورود به منزل دیگران (نور/ 27) و مهلت دادن به بدهکار (بقره/ 280) از این دسته می باشد. بدین منظور قرآن کریم دستورات خاصی برای جلوگیری از ارتکاب و اقدام داده است. ممنوعیت سوء ظن، تجسس، غیبت (حجرات/ 12) ممنوعیت تهمت (نساء/ 112) ممنوعیت تمسخر (حجرات/ 19) ممنوعیت بدزبانی (حجرات/ 11) ممنوعیت اشاعه ی فحشاء (نور/ 19) و ممنوعیت فاش کردن عیوب مؤمنان (نساء/ 148) همگی در این راستا تعریف می شوند. ضرورت این موضوع در روایات با مفاهیم مختلف تبیین شده است که از جمله آن مفاهیم عنوان حق حاکم بر مردم و بالعکس، و حق مؤمن بر مؤمن است. در روایتی می خوانیم که خداوند حق مردم را بر حق خود تقدم داشته است (غیر الحکم/ 4780) و در روایتی دیگر اعظم و بالاترین حق را حق حاکم بر مردم و حق مردم بر حاکم دانسته است (نهج البلاغه خطبه، 216). و در روایت دیگری آمده است که خداوند به هیچ چیزی همانند ادا حق مؤمن عبادت نشده است (کلینی، ج 2 ص 169) و در روایت دیگر، حداقل حقوق مؤمن آن دانسته شده است که انسان دوست بدارد برای او آنچه را برای خود می پسندد و بد بداند برای او آنچه را برای خود بد بداند (کافی، ج 174). جمع بندی این نمونه از احادیث می رساند که پذیرش حریم خصوصی و عدم مداخله بی مورد در آن و نقض نکردن آن از حداقل مطلوب های مؤمن است. هر چند هر مؤمنی مکلف است که خود نیز به مراقبت از حدود الهی در خلوت و جلوت بپردازد. تاریخ این گزارش را می دهد که در زمان حکومت امام علی (ع) در کوفه مردم شهر امار مورد تجاوز لشکر معاویه قرار می گیرند و یکی از سربازان معاویه، خلخال را از پای یک زن یهودی می رباید. آنگاه که این خبر به امام علی (ع) رسید ایشان فرمودند اگر کسی از این خبر غصه بخورد تا بمیرد از نظر من قابل سرزنش کردن نیست. و همه اینها حاکی از ممنوعیت ورود به حوزه حریم خصوصی افراد می باشد.

امر به معروف و نهی از منکر:

از واجب ترین فرائض الهی که بر مبنای تحقق سعادت جمع و رساندن آنها به جامعه نمونه و ارئه یک الگوی موفق تبیین شده است، امر به معروف و نهی از منکر است. سعادت محوری تا آنجا در این فریضه نقش آفرین است که قرآن می فرماید: «به خدا قسم نیاورده اند، مگر آنکه پیامبر (ص) را در اختلافات خود حکم قرار دهند و از تصمیم پیامبر (ص) در مورد خودشان هم احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشد». (نساء/ 65) وحدت اجتماعی رهین امر به معروف است چنانچه این معنا مبین دو آیه از سوره آل عمران (103-105) تبیین شده است. جامع ترین

اصول اخلاقی در امر به معروف و نهی از منکر تعبیه شده است (نحل / 125-128) از جمله علل مهم شکست ملت ها وجود بی تفاوت نسبت به سعادت و عدم سعادت خود جامعه بوده است. تفرقه و اختلافات در جامعه ناشی از فقدان و نبود امر به معروف و نهی از منکر است (انفال / 47) وجود چنین اختلافی سستی و منازعه و ناپودی را به دنبال خواهد داشت (آل عمران / 152).

دلیل سعادت محوری در بنیادهای این فرضیه الهی را می توان اینگونه تقریر کرد. رسالت کلی پیامبران در قالب برداشتن زنجیرها و رهانیدن آنها از زشتی ها و پلیدی ها و بارهای سنگین غلط و انحرافات اجتماعی تعریف شده است (اعراف / 157). بر اساس سخن امام علی (ع) پیامبران آن گاه مبعوث شدند- بویژه پیامبر اسلام (ص)- که میوه زندگی آشوب، خوراک جهان مردار، جامه زیرین آن بیم و هراس و جامعه روئین آن شمشیر بود (نهج البلاغه خطبه 89). از طرف دیگر هر جامعه ای نیازز به انجام اصلاحات دارد و این یک فرمول کلی است که هم در سیره عقلا وجود دارد و هم در سیره شارع مقدس (ان ارید الا الاصلاح- 88 / 11) این اصلاحات یا در رابطه با انحرافات است یا در مورد کمبودها و نقایص و یا برای ایجاد شتاب بهتر و مناسب و در هر حال ایجاد توازن سالم و مناسب در جامعه جمعیت حرکت متعادل. تحقق این مسیر به نوع حاکمان بستگی دارد چرا که امام علی (ع) در جواب معمرین خلاد فرمودند: نصیب من از حاکمیت شما بخدا سوگند، فقط کیسه کوچکی است که در آن مثنی آرد جو نبیخته است و سر آن هم مهر شده تا کسی چیزی بر آن نیفزاید (تحف العقول / 329). این رسالت در خصوص سازندگی معنوی، نشر دانش و مبارزه با نادانی نمایان تر است که سهم حاکمان هم در خیلی محسوس است (بقره / 129، طلاق / 11، انبیاء / 48).

روشن است که هدف ارسال رسل آن است که انسان تا حد ممکن خود را از آرایش های طبیعت و هواهای نفسانی پاک سازد و به سیر روحانی پردازد تا بتواند در جهان آخرت به درجات بالاتر معنوی برسد. رسیدن به آن در گروه عمل مردم است و مبنای عمل نیز باید دین باشد چرا که مبنای دین عدالت است و انسان فطره به دنبال دین حرکت می کند. وجود چنین مبنایی زمینه اقامه حق را به وجود می آورد و اقامه حق زمینه ساز رشد و بلوغ انسانی است. بنابراین زمینه اصلی حضور دین در نتیجه عمل مردم به دین است. سیاست راهبردی قرآن در این خصوص هموار کردن راه های اصلاح در هر قالب مبارزه با سران و مستکبران (هود / 27-29) و مترفین و شادخواران (سبأ / 34-35) و شکستن شوکت گناه و منکر در بین افراد گناهکار (مائده / 104) است. از این رو فرمودند سه گروه را احترامی نیست، هوا پرست بدعتگذار، حاکم ستمگر و فاسقی که آشکارا به فسق می پردازد (قرب الاسناد / 107). با لحاظ آنچه گذشت و جمع بین وظیفه مردم و دولت آنچه می تواند این پیوند مبارک را بوجود آورد که خروجی آن تحقق سعادت باشد امر به معروف و نهی از منکر است (حکیمی و همکاران 1384، جلد دوم، ص 56).

تعیین نسبت حریم خصوصی و امر به معروف:

اکنون با توجه به جایگاه ویژه این فرضیه الهی و رویکرد سعادت محوری که در امر به معروف وجود دارد این سؤال مطرح است که از نظر قلمرو وجه نسبتی بین این دو مفهوم وجود دارد؟ آیا این دو حوزه از قلمرو تداخلی دارند. آیا پذیرش حریم خصوصی با اجرای اوامر و نواهی الهی در جامعه تعارض دارد؟ آیا اعمال امر و نهی امر به منزله نقض حریم خصوصی افراد می باشد.

برای ارائه پاسخ دقیق به این سؤال ضروری است به مبانی پیش گفته توجه شود. اگر این معنا پذیرفته شود که هدف اصلی امر به معروف تحقق سعادت فرد و جامعه است و نه دخالت در امور شخصی و یا ادا کردن فرد به انجام رفتار خاص از روی اکراه و اجبار و اگر پذیرفته شود که تعیین قلمرو حریم خصوصی در گرو توجه به مبانی نظری آن است می توان نتیجه گیری کرد که تعارض متصور بین این دو حوزه در حد یک درک اولیه و غیر ماندگار است. به منظور توضیح و تبیین پیشه ضروری است چند نکته را مدنظر قرار داد:

الف: در علم حقوق و در راستای تعیین اهداف حقوق دو مکتب اصلی تعریف شده است. در پاسخ به این سؤال که آیا هدف حقوق تأمین حداکثر آزادی فرد و حداقل دخالت دولت است تا در نتیجه شاهد رویش عدالت اجتماعی معاوضی باشیم و یا آنکه هدف حقوق تلاش برای تحقق و عملیاتی شدن سعادت جامعه است که در نتیجه آن عدالت اجتماعی توزیعی شکل بگیرد و فرد هم در این صورت تنها سلولی از این پیکره است که بدون وجود جمع حتی حیات هم نخواهد داشت، حقوقدانان به دو نوع دیدگاه توجه کرده اند. برخی اصالت را به فرد داده اند و برخی اصاله را به جمع (کاتوزیان 1384، ص 35) اتخاذ هر کدام از دو مکتب فوق اثر متفاوتی را به دنبال خواهد داشت. بر مبنای اول حریم خصوصی دایره ای وسیع به خود می گیرد و در نتیجه با امر به معروف تعارضی پیدا خواهد کرد. بر مبنای دوم هر چند حریم خصوصی و آزادی (فردی به حداقل خود می رسد) و باز از جهت دیگری با امر به معروف تعارض دارد. به نظر می رسد راه برون رفت از این مشکل پذیرش مبنای سومی در این رابطه است. و آن سعادت محوری و اخلاق محوری است. اگر هدف حقوق همچون اخلاق پیدایش فضائل در جامعه و طرد رذائل باشد تعیین حریم خصوصی منوط به این امر معیار خواهد بود. و از آنجا که ارزش های اخلاقی ثابت همچون ادای امانت و وفای به عهد مورد پذیرش همگان است تعیین حوزه حریم خصوصی کار پیچیده و مشکلی نیست.

ب: پذیرش حق الله در کنار حق مردم از دیگر پارامترهای تعیین حوزه حریم خصوصی است. اگر عملی باعث از بین رفتن حق خداوند باشد. به دلیل تقدم حق خداوند، آن عمل باید محدود شود. نتیجه پذیرش این مبنا، ایجاد اندیشه جدید، و یا باز خوانی اندیشه های موجود و در نتیجه تعیین نوع رفتار مطلوب اجتماعی است.

ج: در موارد خاص مفهوم جدیدی خود نمایی می کند به عنوان مثال در آئین نامه کمیته انضباطی دانشجویی مفهوم «خلاف شأن» مطرح شده است. در این آئین نامه تصریح شده است که دانشجویان موظفند رفتارهای خود در محیط دانشگاه را مطابق شرع و شأن دانشجویی قرار دهند. تعیین رفتاری که می تواند خلاف شأن باشد کاملاً با رویکرد عرضی تعریف می شود. این عرف در درجه اول عرف خاصی و سپس عرف عام است. این معنا در خصوص روحانیت یا اساتید دانشگاه نیز مطرح شده است. وجود چنین مفاهیمی، تأثیر مهمی در حوزه حریم خصوصی دارد بگونه ای که می تواند به توسعه یافتن این قلمرو بیانجامد. بدیهی می نماید ممکن است پوشش یک دانشجو در خارج از محیط دانشگاه بی مشکل باشد اما استفاده از همین پوشش در محیط دانشگاه خلاف شأن محسوب شود. پذیرش این معنا می تواند نگاه جدید و دقیق ترین به مفهوم و ماهیت حریم خصوصی بیندازد.

د: فلسفه وجودی، منطقی و دلیل مطرح در حریم خصوصی با امر به معروف متفاوت است. مدنظر قرار دادن این سه حوزه کمک شایانی به تعیین قلمرو هر کدام خواهد کرد. فلسفه وجودی حریم خصوصی تحقق کرامت انسانی، جلوگیری از مداخله و تجاوز بی مورد و بدون علت در زندگی افراد، جلوگیری و ممانعت به عمل آوردن از ظلم و رفع بی امنیتی است. ایجاد آرامش روحی، روانی در افراد جامعه در حیطه ای که به خود آنها متعلق است زمینه ساز

هر نوع پیشرفت و ترقی است. و آنگاه که این حریم نقض می شود با منطق اذیت و آزار، بی آبرو کردن افراد به ایجاد محدودیت و محرومیت، سرقت ادبی، ایجاد ناامنی و دستبرد زدن به اطلاعاتی است که فرد دوست ندارد آنها در مرای و منظر عمومی قرار گیرد. دلیل چنین اقداماتی را نیز باید در عدم اعتقاد به مبدأ و خالق جهان، عدم باور به معاد و فرجام و عدم اعتقاد به مسئولیت دانست. در حالیکه داستان امر به معروف کاملاً متفاوت است. اعمال محبت عالمانه، ابراز دلسوزی عالمانه بویژه آنکه از جمله شرایط امر به معروف، علم امر به معروف است، عشق به مکتب و جامعه، اعمال ولایت، ترویج و نهادینه کردن خوبی ها، کاستن و محو کردن همه زشتی ها، تحقق سلامت روحی، روانی ایجاد الگوی مناسب در روابط اجتماعی و نهایتاً تحقق ام نمونه اسلامی به عنوان بهترین امت که جمع همه موارد فوق کمال محوری و سعادت محوری است، زیر بنای فلسفه وجودی امر به معروف را شکل می دهد، می توان گفت شرط استفاده صحیح از حریم خصوصی، امر به معروف است بلکه باید گفت ضمانت اجرای آن نیز می باشد و آنگاه که امر به معروف در بین نباشد هیچ تضمینی وجود نخواهد داشت که حتی حریم خصوصی هم وجود خارجی داشته باشد.

ه: امر به معروف با رویکرد تعلیم جاهل، تنبیه غافل، و ارشاد ضال و با مدیریت خاص گفتمانی جلوه نمایی می کند. در قرآن کریم می خوانیم که خداوند سفارش در گفتار به حضرت موسی در برابر فرعون را گوشزد می کند (فقلوا له قولاً لیناً). بنابراین تلاش آمران و ناهیان در پرتو آموزه های اسلامی با دانائی محوری خود را نشان می دهد و این دانائی هرگز به معنای لطمه زدن یا نادیده گرفتن حریم دیگران نیست.

ح: با رجوع به آیات قرآن می توان دریافت که حوزه های حریم خصوصی به صورت مطلق ترسیم شده اند. مثلاً آنگاه که از ممنوعیت ورود به آبروی دیگران سخن می گوید (حجرات / 11) بگونه ای موضوع را طراحی می کند که زمینه توجیه و تأویل را از بین می برد. این اطلاق هم از نظر موضوعی و هم از نظر زمانی هم از نظر مکانی و هم از جهت مذهبی و اعتقادی عام است. از این رو خروج از آن نیاز به دلیل خاصی دارد تا این اطلاق را تخصیص بزند. و یا آنگاه که از ممنوعیت ورود به منزل دیگران بدون اجازه صاحب منزل سخن می گوید قید و یا تبصره خاصی به آن نمی زند تا قابل تأویل و توجیه باشد از این رو شکستن حوزه هایی که با نام حریم خصوصی تعریف می شوند نیاز به دلیل خاصی است چرا که ممنوعیت تجاوز و تعدی به این قلمرو مطابق اصل می باشد. رویکرد قانونگذار ایرانی در اصول مختلف قانون اساسی و سایر قوانین هم بدین منوال است. بدین منظور ورود به منازل دیگران نیاز به مجوز خاص قضائی دارد و حیثیت جان، مال و آبروی مردم نیز بطور مطلق مورد احترام قرار گرفته است.

اکنون با توجه به کلیه عوامل فوق می توان گفت رفتارها و اعتقادات افراد سه صورت دارد. در مواردی کاملاً این باورها و رفتارهای مشخص است و به هیچ وجه جنبه اجتماعی بخود نم گیرد. مثل آنکه فرد در منزل شخصی نوع خاصی غذا می خورد یا لباس می پوشد که در این صورت باید گفت راهی برای ورود به این ساخت وجود ندارد و هر گونه ورود مصداق نهی الهی (لا تجسسوا) خواهد شد چرا که تنها راه فهمیدن این نوع مسائل تجسس می باشد. در موارد دیگری هر چند عمل می تواند اثر اجتماعی داشته باشد ولی فرد تلاش می کند که به هیچ عنوان رفتار او اثر اجتماعی نداشته باشد و لذا از تسری آثار آن بر جامعه ممانعت به عمل می آورد. این مورد هم مصداق حریم خصوصی است و متعلق به فرد. و اگر شبهه و یا سؤالی ایجاد شود که چرا این بخش هم متعلق به حریم خصوصی

شد، باید گفت آیات قرآنی در خصوص عدم تجسس، عدم ورود به منزل و عدم تعدی به آبرو عام است و اگر در موردی شک ایجاد شد که داخل عام است یا خاص، باید گفت خروج آن از عام نیاز به دلایل دارد و الا اصل آن است مصداق عام باشد.

اما در مواردی که عمل کاملاً جنبه عمومی پیدا می کند جای اجرای فریضه امر به معروف است چرا که این حوزه متعلق به حریم عمومی است. عمومیت یافتن عمل یا به دلیل آثار و نتایج و یا به دلیل ذات عمل و ماهیت آن است. چنانچه می تواند به اعتبار موقعیت و ویژگی خاص آن باشد که در مفاهیمی چون خلاقیت شأن قضیه اینگونه است.

نتیجه گیری:

رسیدن به چنین موقعیتی منوط به آن لازم است که در حوزه علم حقوق و در خصوص ترسیم اهداف علم حقوق تجدید نظر به عمل آید. این اعتقاد که اخلاق در کنار حقوق است، نمی تواند تعارض موجود را حل کند. بنابراین باید معتقد به دیدگاهی بود که حقوق را زیر مجموعه اخلاق می داند و نظام حقوقی را در درون نظام اخلاقی اسلام تعبیه می کند. اگر این دیدگاه مد نظر قرار گیرد در هدف حقوق نیز تغییر عمده و مهمی رخ خواهد داد و بجای تکیه بر فرد یا جامعه تکیه بر اخلاق و سعادت خواهد بود که ناظر به فرد و جامعه است و هر دو را پوشش می دهد و در مقام تعارض فرد و جامعه اولویت با طرفی خواهد بود که خواسته و تلاش او بر مبنای اخلاق و سعادت می باشد. پذیرش این رویکرد نکته مهم دیگری را نیز به دنبال دارد و آن اعتقاد به حق خداوند در کنار و همراه حق مردم است که در صورت تعارض با یکدیگر، به دلیل کمال محوری حق خداوند مقدم خواهد بود و حریم خصوصی نیز تا آنجا تعریف خواهد شد که به کمال و سعادت فرد و جامعه ضرری وارد نسازد هر چند فرد وظیفه دارد در هر حال عبد خداوند و بنده او باشد و از فرامین او اطاعت کنند.

منابع:

- 1 قرآن کریم، با ترجمه حضرت آیت الله مکارم.
- 2 نهج البلاغه - فیض الاسلام.
- 3 اعلامیه جهانی حقوق بشر. 1982.
- 4 میثاق حقوق مدنی و سیاسی 1969.
- 5 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- 6 اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره 1990.
- 7 کد خدائی، عباسعلی، شبکه های اطلاعاتی، نقض حقوق بشر، سایت ایران و جامعه اطلاعاتی.
- 8 ادیاتی، سید یونس، مفهوم حریم خصوصی، سایت ایران و جامعه اطلاعاتی.
- 9 بروجردی مهدخت، حریم خصوصی در جامعه اطلاعاتی، سایت ایران و جامعه اطلاعاتی.
- 10 سامارا جیوا، روهان، تفاوت طبقاتی در حریم شخص، مجله پیام یونسکو، شماره 380، 1380.
- 11 دهقان، علی اکبر، هزار و یک نکته از قرآن کریم، قم، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، 1379.

- 12 حکیمی، محمدرضا و همکاران، الحیاء، ترجمه فارسی احمد آرام. قم، دلیل ما، 1384.
- 13 جمعی از نویسندگان، فلسفه حقوق، قم، مؤسسه امام خمینی، 1388.
- 14 ری شهری، منتخب میزان الحکمه، قم، دارالحديث، 1380.
- 15 کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، 1384.

16-Samuel warren, and Louis Brandeis, *The Rights to Privacy*, Harrard law Review, 1890.

17-Volio Fernnda, *Legal Personality, Privacy and the Family* (ed) the in Ternatuonal Bill of Rights, Columbia University Press 1, 81.

همایش ملی شهروند مسئول